

کتاب دانیال - شماره یکصد و پنجاه و شش

آشکارسازی آخرین رؤیای دانیال: چشم‌اندازی میلریتی بر حقایق نبوی برای امروز

Jeff Pippenger

2024-03-24

ما بررسی آخرین رؤیای دانیال را با به‌کارگیری اصلی آغاز می‌کنیم که به‌وسیله آلفا و امگا نمایانده می‌شود؛ اصلی که نشان می‌دهد او همواره پایان را با آغاز مشخص می‌سازد. بنابراین، بَلْتَشَصْر، که همان دانیال در نخستین آیه آخرین رؤیای اوست، در بخش پایانی همان رؤیا نیز بازنمایی می‌شود. ما مشخص کرده‌ایم که بَلْتَشَصْر نماینده قوم عهد خدا در ایام آخر است، که «حازون»، یعنی رؤیای تاریخ نبوی، را درمی‌یابند؛ همان که در آیه نخست با واژه «چیز» بازنمایی شده است. آن رؤیای تاریخ نبوی همان «هفت زمان» لاویان بیست‌وشش است که معادل دو هزار و پانصد و بیست سال می‌باشد. بَلْتَشَصْر همچنین «رؤیا» را در آیه نخست درک می‌کند، که همان رؤیای «مره» از دو هزار و سیصد سال است و ظهور ناگهانی مسیح را بازنمایی می‌کند.

در باب دوازدهم، دانیال نمایانگر حرکت فرشته اول است و نیز حرکت فرشته سوم، زیرا هر دو حرکت مثل ده باکره را به انجام می‌رسانند. در باب دوازدهم دست‌کم پنج حقیقت وجود دارد که بخشی از نهضت میلری بودند و نمایانگر حقایقی هستند که حرکت فرشته سوم نیز باید آنها را تجربه کند و دریابد. هر دو حرکت مثل ده باکره را به انجام می‌رسانند، و باکره‌های دانای هر دو حرکت ملزم‌اند آن واقعیت نبوی را درک کنند. هر دو حرکت باید نخستین حقیقت نبوی‌ای را که میلر به تشخیص آن هدایت شد، چنان که در «هفت زمان» لاویان بیست‌وشش نمود یافته است، درک کنند. سه تجربه و دریافت موازی دیگر در چند آیه پایانی باب یافت می‌شوند.

اور اُس وقت بے کہ دائمی قربانی موقوف کی جائے گی اور وہ مکروہ شے جو اجڑوا ڈالتی ہے قائم کی جائے گی، ایک ہزار دو سو نوے دن ہوں گے۔ مبارک ہے وہ جو انتظار کرتا ہے اور ایک ہزار تین سو پینتیس دنوں تک پہنچتا ہے۔ لیکن تو انجام تک اپنی راہ لیے جا؛ کیونکہ تو آرام پائے گا اور ایام کے آخر میں اپنی قرعہ میں کھڑا ہوگا۔ دانی ایل 12:11-13.

قوم باقی‌مانده خدا در کتاب مکاشفه دارای سه ویژگی اصلی نبوی هستند. آنان احکام خدا را نگاه می‌دارند، ایمان عیسی را دارند و روح نبوت را پاس می‌دارند.

او مرا گفت: بنویس، خوشا به حال آنان که به ضیافت عروسی بره خوانده شده‌اند. و مرا گفت: این‌ها سخنان راستین خداست. و من به پای‌های او افتادم تا او را پرستش کنم. و او مرا گفت: زنهار، چنین مکن؛ من هم‌خدمت تو هستم و از برادرانت که شهادت عیسی را دارند: خدا را پرستش کن؛ زیرا شهادت عیسی روح نبوت است. مکاشفه ۱۹:۹، ۱۰.

میلریت‌ها به‌درستی دریافتند که «قربانی دائمی»، در کتاب دانیال، نماد بت‌پرستی بود، و اینکه «زمانی که قربانی دائمی» «برداشته شد»، سال ۵۰۸ بود. رد این حقیقت، رد اقتدار «شهادت عیسی» است که «روح نبوت» می‌باشد؛ زیرا روح نبوت به‌روشنی تصریح می‌کند که میلریت‌ها در فهم خود از «قربانی دائمی» درست بودند.

«سپس درباره «مستمر» دیدم که واژه «قربانی» به‌وسیله حکمت انسان افزوده شده است و به متن تعلق ندارد؛ و این‌که خداوند دیدگاه درست آن را به کسانی عطا کرد که ندای ساعت داوری را اعلام کردند. هنگامی که اتحاد برقرار بود، پیش از ۱۸۴۴، تقریباً همه بر دیدگاه درست «مستمر» متفق بودند؛ اما از سال ۱۸۴۴، در میان آشفتگی، دیدگاه‌های دیگری پذیرفته شده است، و تاریکی

و سردرگمی در پی آمده است.» 1، Review and Herald، نوامبر 1850.

میلری‌ها دریافتند که مقاومت بت‌پرستی در برابر برآمدن پاپیت به قدرت در سال ۵۳۸، در سال ۵۰۸ برطرف شد. میلری‌ها درست بودند، اما فهم آنان محدود بود. قوم ایام آخر خدا، که در آیه اول به وسیله بلتشصر نمایانده شده‌اند، خواهند دید که از سال ۵۰۸ تا ۵۳۸ یک دوره نبوی را تشکیل می‌دهد که به واسطه سی سال آمادگی در تاریخ مسیح، که پیش از توانمند شدن او در تعمیدش بود، نمونه‌سازی شده بود. آنان خواهند دید که آن دوره نبوی همچنین نمایانگر دوره نبوی از ۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸ است، و این که هر سه آن دوره‌ها نمایانگر زمان مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفرند که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد و در قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع به پایان می‌رسد.

در باب دوازدهم، دانیال نماینده میلری‌ها و پنج حقیقت و تجربه مهمی است که باید در کسانی که به وسیله بلطشصر نمایندگی می‌شوند، تکرار گردد. سومین حقیقت و تجربه میلری‌ها «برداشت درست از "قربانی دائمی" است، ... که خداوند ... به کسانی عطا فرمود که ندای ساعت داوری را اعلام کردند.» رد آن حقیقت، رد نوشته‌های الن وایت است که همان روح نبوت می‌باشد. چهارمین حقیقت و تجربه میلری‌ها، و نیز پیام‌آوران فرشته سوم، نبوت هزار و سیصد و سی و پنج سال است که در سالی آغاز شد که «قربانی دائمی» برداشته شد، یعنی در سال ۵۰۸.

آغاز از سال ۵۰۸، یک هزار و سیصد و سی و پنج سال شما را به ۱۸۴۳ می‌رساند؛ اما نه صرفاً به ۱۸۴۳، زیرا نبوت در واقع دقیقاً به آخرین روز ۱۸۴۳ اشاره می‌کند، زیرا می‌گوید: «خوشا به حال آن که انتظار کشد و به هزار و سیصد و سی و پنج روز برسد.» واژه عبری ترجمه‌شده به «برسد»، «naga» است، و معنای آن «لمس کردن» یا «دست نهادن بر» است. بنابراین، معنای نبوت این است: «خوشا به حال آن که انتظار کشد و» ۱۸۴۳ را لمس کند یا بر آن دست نهد.

برکت انتظار در تاریخ میلریتی از آن آن باکرگان حکیم بود که نومییدی نخستین را تجربه کردند، اما برای رؤیایی که درنگ می‌نمود انتظار کشیدند. هنگامی که میلریتیان در انتظار «رؤیایی که درنگ می‌نمود» در تحقق مثل ده باکره و باب دوم حقوق ماندند، مبارک بودند. در آن زمان درنگ، آنگاه دریافتند که خود در حال تحقق آن مثل‌اند، و اینکه در پایان، رؤیا «سخن خواهد گفت». زمان درنگ و نومییدی ایشان بر شناسایی نادرستی استوار بود که بر اساس آن، دو هزار و سیصد سال در 1843 پایان می‌یافت، حال آنکه رؤیا در حقیقت برای 1844 بود. نومییدی ایشان بر تجربه‌ای مبتنی بود که هنگامی پدید آمد که سال 1843 بدون بازگشت مسیح به پایان رسید. نومییدی ایشان، و برکتی که بر کسانی اعلام شد که پس از آن برگزیدند انتظار بکشند، همگی بر آخرین روز سال 1843 استوار بود، روزی که به 1844 «می‌رسد» یا «منتهی می‌شود».

تجربه نخستین نومییدی، به عنوان تحقق مثل ده باکره، در کسانی که به وسیله بلتشصر نمایانده شده‌اند فهمیده می‌شود و تکرار می‌گردد. پنجمین حقیقت و تجربه‌ای که از سوی کسانی که به وسیله بلتشصر نمایانده شده‌اند شناخته خواهد شد، این است که در «پایان ایام»، دانیال «در نصیب خود خواهد ایستاد».

«دانیال از زمانی که مهر برداشته شد و نور حقیقت بر رؤیاهای او تابیدن گرفت، در قرعه خویش ایستاده است. او در قرعه خود ایستاده است و شهادتی را حمل می‌کند که می‌بایست در پایان ایام فهمیده شود.» موعظه‌ها و سخنرانی‌ها، جلد ۱، ۲۲۵، ۲۲۶.

میلری‌ها فرایند تطهیری را تجربه کردند که به واسطه افزایش دانشی حاصل شد که از کتاب دانیال، هنگامی که در سال 1798 مهرگشایی شد، به دست آمد. آنان که به وسیله بلطشصر نمایانده شده‌اند، فرایند تطهیری را تجربه خواهند کرد که به واسطه افزایش دانشی حاصل شد که از کتاب دانیال،

هنگامی که در سال 1989 مَهرگشایی شد، به دست آمد. آنان همچنین درک خواهند کرد که کتاب دانیال در مَهر شدن، یکصد و چهل و چهار هزار، مقصودی ویژه دارد.

«هنگامی که خداوند به انسانی کاری ویژه برای انجام دادن می‌سپارد، او باید در سهم و جایگاه خود بایستد، همان‌گونه که دانیال ایستاد، آماده برای پاسخ‌گویی به دعوت خدا، آماده برای به انجام رساندن مقصود او.» Manuscript Releases، جلد 6، 108.

به‌عنوان لائودیکیان سابق، کسانی که به‌وسیلهٔ بلتشصر نمایانده شده‌اند، تشخیص خواهند داد که احیای نهایی از طریق کتاب‌های دانیال و مکاشفه، که یک کتاب واحد هستند، به انجام می‌رسد.

«وقتی کتاب‌های دانیال و مکاشفه بهتر فهمیده شوند، ایمانداران تجربه‌ای دینی به‌کلی متفاوت خواهند داشت... یک چیز از مطالعهٔ مکاشفه به‌طور قطع فهمیده خواهد شد—این‌که پیوند میان خدا و قوم او نزدیک و قطعی است.» The Faith I Live By، 345.

به‌عنوان لائودیکیان سابق، آنان وضعیت لائودیکیایی خود را تشخیص خواهند داد، و اذعان خواهند کرد که از لحاظ روحانی همچون دره‌ای از استخوان‌های خشک مرده بوده‌اند؛ و در پاسخ به شهادت صریح دربارهٔ وضعیت مرده و گم‌گشته خویش، نیاز خود را به زنده بودن به‌عنوان نخستین اولویت تشخیص خواهند داد.

«در میان ما، احیای دینداری راستین، بزرگ‌ترین و فوری‌ترین همهٔ نیازهای ماست. طلب این باید نخستین کار ما باشد.» Selected Messages، book 1، 121.

وعد کتاب مقدس این است که هر که بطلبد، خواهد یافت، و سپس روح‌القدس او را هدایت خواهد کرد تا دریابد که این کتاب‌های دانیال و مکاشفه‌اند که احیای ضروری را پدید می‌آورند.

«هنگامی که ما به‌عنوان یک قوم دریابیم که این کتاب برای ما چه معنایی دارد، در میان ما احیایی عظیم دیده خواهد شد.» Testimonies to Ministers، 113.

پایان آخرین رؤیای دانیال، چنان‌که در باب دوازدهم نمایان شده است، تجربه‌ای را مشخص می‌سازد که قوم عهد خدا را در ایام آخر پدید می‌آورد؛ قومی که در آیهٔ نخست آخرین رؤیا به‌وسیلهٔ بلتشصر نمایانده شده است. در آنجا دانیال، که به‌صورت بلتشصر تصویر شده است، هم رؤیای درونی دو هزار و سیصد سال را درمی‌یابد و هم رؤیای بیرونی دو هزار و پانصد و بیست سال را. او هم «امر» را درمی‌یابد و هم «رؤیا» را. او هم رؤیای chazon را درمی‌یابد و هم رؤیای mareh را. او هم پایمال شدن مقدس و لشکر را درمی‌یابد و هم اعادهٔ مقدس و لشکر را. او هر دو رؤیای نهر اولای و نهر حدّاقل را درمی‌یابد.

هم اس مطالع کو اگلے مضمون میں جاری رکھیں گے۔

"بشدت به مطالعه‌ای بسیار نزدیک‌تر کلام خدا نیاز است؛ و به‌ویژه دانیال و مکاشفه باید همچون هرگز پیش از این در تاریخ کار ما مورد توجه قرار گیرند. ممکن است در برخی زمینه‌ها، درباره قدرت روم و پاپیت، کمتر سخن بگوییم؛ اما باید توجه را به آنچه انبیا و رسولان تحت الهام روح‌القدس خدا نوشته‌اند معطوف سازیم. روح‌القدس امور را، هم در عطاۃ نبوت و هم در رخدادهای به‌تصویرکشیده‌شده، چنان شکل داده است که تعلیم دهد عامل انسانی باید از نظر دور نگه داشته شود، در مسیح پنهان گردد، و اینکه یهوه خدای آسمان و شریعت او باید متعال و سرافراز گردند. کتاب دانیال را بخوانید. تاریخ پادشاهی‌هایی را که در آنجا بازنموده شده‌اند، بند به بند، پیش روی آورید. دولتمردان، شوراها، سپاهیان نیرومند را بنگرید، و ببینید که خدا چگونه عمل کرد تا غرور آدمیان را خوار سازد و شکوه انسانی را به خاک افکند...."

نوری که دانیال از خدا دریافت کرد، به‌ویژه برای این ایام آخر داده شد. رؤیاهایی که او بر کرانه‌های اولای و حدّاق، آن رودهای بزرگ شینعار، دید، اکنون در حال تحقق‌اند، و همه وقایعی که پیشگویی شده‌اند، به‌زودی به وقوع خواهند پیوست.

«شرایط قوم یهود را در زمانی که نبوت‌های دانیال داده شد، در نظر بگیرید.»

«بیا بید زمان بیشتری را به مطالعه کتاب مقدس اختصاص دهیم. ما کلام را آن‌گونه که باید درک نمی‌کنیم. کتاب مکاشفه با فرمانی به ما آغاز می‌شود تا تعالیمی را که در خود دارد، بفهمیم. خدا اعلام می‌دارد: "خوشا به حال کسی که می‌خواند، و آنان که سخنان این نبوت را می‌شنوند و آنچه را که در آن نوشته شده است نگاه می‌دارند، زیرا وقت نزدیک است." هنگامی که ما به‌عنوان یک قوم دریابیم که این کتاب برای ما چه معنایی دارد، در میان ما احیایی عظیم دیده خواهد شد. ما درس‌هایی را که این کتاب تعلیم می‌دهد، به‌طور کامل درک نمی‌کنیم، با وجود این فرمانی که به ما داده شده است تا آن را بجویم و مطالعه کنیم.»

«در گذشته، آموزگاران اعلام کرده‌اند که دانیال و مکاشفه کتاب‌های مَهرشده‌اند، و مردم از آن‌ها روی گردانیده‌اند. آن حجابی را که رازآلودگی ظاهری آن بسیاری را از بالا زندش بازداشته بود، دست خود خدا از این بخش‌های کلام او برداشته است. خود نام «مکاشفه» با این ادعا که آن کتابی مَهرشده است، در تضاد است. «مکاشفه» بدین معناست که چیزی مهم آشکار می‌گردد. حقایق این کتاب خطاب به کسانی است که در این ایام آخر زندگی می‌کنند. ما با حجابی برداشته‌شده در مکان مقدس امور قدسی ایستاده‌ایم. ما نباید در بیرون بایستیم. ما باید داخل شویم، نه با افکار سهل‌انگارانه و بی‌حرمتی‌آمیز، نه با گام‌های شتاب‌زده، بلکه با حرمت و ترس خدا. ما به زمانی نزدیک می‌شویم که پیشگویی‌های کتاب مکاشفه باید به انجام برسند....»

«ما احکام خدا و شهادت عیسی مسیح را داریم که روح نبوت است. جواهرات گران‌بهایی در کلام خدا یافت می‌شود. آنان که این کلام را جست‌وجو می‌کنند باید ذهن را روشن نگاه دارند. هرگز نباید با خوردن یا نوشیدن، اشتیهای منحرف را ارضا کنند.»

«اگر آنان چنین کنند، ذهن مشوش خواهد شد؛ و آنان تاب فشار کاوش عمیق برای دریافت معنای آن اموری را که به صحنه‌های پایانی تاریخ این زمین مربوط می‌شود، نخواهند آورد.»

«هنگامی که کتاب‌های دانیال و مکاشفه بهتر فهمیده شوند، ایمانداران تجربه‌ای دینی به‌کلی متفاوت خواهند داشت. به آنان چنان جلوه‌هایی از دروازه‌های گشوده آسمان عطا خواهد شد که دل و ذهن از آن شخصیتی متأثر خواهد گردید که همه باید آن را پرورش دهند تا به سعادت دست یابند که پاداش پاک‌دلان خواهد بود.»

«خداوند همه کسانی را برکت خواهد داد که با فروتنی و حلم در پی آن باشند که آنچه را در مکاشفه آشکار شده است، دریابند. این کتاب دربردارنده مطالبی است که تا این اندازه آکنده از جاودانگی و سرشار از جلال است که هر که آن را با جدیت بخواند و در آن به جست‌وجو پردازد، آن برکتی را دریافت می‌کند که برای کسانی است که «سخنان این نبوت را می‌شنوند و آنچه را که در آن مکتوب است، نگاه می‌دارند.»»

«از مطالعه مکاشفه یک چیز بی‌تردید دریافت خواهد شد: اینکه پیوند میان خدا و قوم او نزدیک و قطعی است.»

«پیوندی شگفت‌انگیز میان عالم آسمان و این جهان دیده می‌شود. آنچه بر دانیال مکشوف شد، بعدها با مکاشفه‌ای که به یوحنا در جزیره پطمس داده شد، تکمیل گردید. این دو کتاب باید با دقت مطالعه شوند. دانیال دو بار پرسید: تا پایان زمان، چه مدت خواهد بود؟»

«و شنیدم، اما درنیافتم؛ آنگاه گفتم: ای سرورم، فرجام این امور چه خواهد بود؟ و او گفت: ای دانیال، راه خود را در پیش گیر، زیرا این سخنان تا زمان آخر بسته و مهر شده است. بسیاری طاهر خواهند شد، و سفید گردانیده خواهند شد، و آزموده خواهند شد؛ اما شریران به شرارت عمل خواهند کرد؛ و هیچ‌یک از شریران نخواهند فهمید، لیکن حکیمان خواهند فهمید. و از زمانی که قربانی دائمی برداشته شود و رجاست ویرانگر برپا گردد، هزار و دویست و نود روز خواهد بود. خوشا به حال آن که انتظار کشد و به هزار و سیصد و سی و پنج روز برسد. اما تو تا پایان، راه خود را در پیش گیر؛ زیرا آرام‌خواهی گرفت و در پایان روزها در قرعه خویش خواهی ایستاد.»

«این شیر سبط یهودا بود که کتاب را گشود و به یوحنا مکاشفه آنچه را که در این ایام آخر باید واقع شود، عطا کرد.»

دانیال در سهم خویش ایستاد تا بر شهادت خود که تا زمان آخر مهر شده بود، شهادت دهد؛ آنگاه که پیام فرشته اول باید به جهان ما اعلام می‌گردید. این امور در این ایام آخر از اهمیتی نامتناهی برخوردارند؛ اما با آنکه «بسیاری پاک، و سفید، و آزموده خواهند شد»، «شریران شرارت خواهند ورزید؛ و هیچ‌یک از شریران نخواهند فهمید.» این چه اندازه درست است! گناه، تعدی از شریعت خداست؛ و آنان که نور مربوط به شریعت خدا را نخواهند پذیرفت، اعلام پیام‌های فرشته اول و دوم و سوم را درک نخواهند کرد. کتاب دانیال در مکاشفه‌ای که به یوحنا داده شد گشوده می‌شود، و ما را به پیش، تا واپسین صحنه‌های تاریخ این زمین، رهنمون می‌گرداند.

«آیا برادران ما به خاطر خواهند داشت که ما در میان خطرات ایام آخر زندگی می‌کنیم؟ مکاشفه را در پیوند با دانیال بخوانید. این امور را تعلیم دهید.» Testimonies to Ministers, 112–115.